

## الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ابوالقاسم سحاب به سبک میرزا حسین خان سپهسالار

میثم سلیمانی<sup>۱</sup>، فاطمه احمدوند<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

### چکیده:

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ابوالقاسم سحاب به سبک میرزا حسین خان سپهسالار شامل دو قسمت است؛ یکی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که از ابتدای دهه چهارم انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری، مراکز مختلفی همچون مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که شکل گرفته و تقریباً مبحثی جدید است، دیگری ابوالقاسم سحاب تفرشی که از فرهیختگان اواخر عهد قاجار و عصر پهلوی اول بوده است. وی رویکردی متفاوت با دیگر نویسندگان هم عصر خود دارد. در زمانه سحاب با حمایت حکومت از عقاید ضد اسلامی و نویسندگان از این دسته وی برخورداری از عقاید عمیق اسلامی، شیفته فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی است و با حفظ دیانت خود الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را در پیش می‌گیرد. سحاب در آثارش مکرر به دین و موطن خود پایبند و موافق پیشرفت ایران اسلامی به مانند کشورهای اروپایی بود، اما تا جایی که لطمه‌ای به اسلام و مذهب شیعه وارد نکند و اگر مقابل اسلام و ایران بود مخالفت خود را بیان می‌کرد. مطالب مذکور در کتبی چون تاریخ خجسته، مدرسه عالی سپهسالار و... بس هویداست. سحاب علاقه شاخصی به الگوی رفتاری میرزا حسین خان سپهسالار که خود چشمه‌ای از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است را دارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای، برآن است تا ضمن بررسی آثار مربوط به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ابوالقاسم سحاب، اهمیت و کیفیت آن‌ها را به‌عنوان پژوهش تاریخی، نقد و اعتبارسنجی نماید و مطالب مربوطه را استخراج و مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

واژگان اصلی: اسلامی، ایرانی، پیشرفت، سحاب، سپهسالار.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه

بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

کشور ایران از نظر تاریخی چهارمین کشور جهان، پس از آلمان (۱۹۳۳) و فرانسه و ژاپن (۱۹۴۷)) بوده که به برنامه‌ریزی توسعه پرداخته است. در کشور ایران از سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) تا پیروزی انقلاب اسلامی پنج برنامه دیگر تدوین و اجرا شده است. بدین ترتیب با وجود گذشت بیش از ۵۷ سال برنامه‌ریزی توسعه (بدون احتساب سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸) همچنان موضوع توسعه به عنوان مسئله‌ای چالشی و جاری در کشور ما مورد بحث صاحب‌نظران می‌باشد. همچنین بررسی آثار و پیامدهای توسعه در کشور ما نشان می‌دهد: توسعه به سبک غربی (و تنها با جرح و تعدیل‌های اسلامی) از یک سو نتوانسته مانند کشورهای غربی باعث توسعه شود و از سوی دیگر نیز باعث کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی ایرانی شده است. دلیل این امر را باید در اینجا جستجو کرد که «مبانی»، «اقتضائات و مسائل» و «غایات» توسعه با مبانی، اقتضائات و مسائل و غایات جامعه‌ی اسلامی ایران زاویه دارد و این امر ضرورت طراحی الگویی متناسب با جامعه‌ی ایران را ایجاب می‌کند. با طرح مبحث «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» از ابتدای دهه چهارم انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری، مراکز مختلفی همچون مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، شورای راهبردی را در این زمینه در پیش گرفته‌اند.

ابوالقاسم سحاب تفرشی فرزند محمد زمان، در ۲۰ فروردین ۱۳۶۶ ش (۱۵ رجب ۱۳۰۴ ه.ق) در قم تفرش زاده شد. سحاب از فرهیختگان جامعه ایرانی در اواخر عهد قاجار و عصر پهلوی اول بوده است. وی از اندیشمندانی است که به فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی و پیشرفت آن به مانند اروپائیان توجه دارد و در آثار مربوط به این امر نمونه‌های بارز آن را می‌توان مشاهده کرد مانند تاریخ مدرسه عالی سپهسالار، تاریخ خجسته، تاریخ حیات امامان شیعه، تاریخ مفتاح الاعلام در تراجم احوال پیشوایان، مشاهیر و اخبار عالم اسلامی (۱۳۱۲ ش)، زندگانی شاه عباس کبیر (۱۳۲۴ ش)، فرهنگ خاورشناسان. الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مبین این مسئله است که می‌توان بدون پذیرش جهان‌بینی ایدئولوژی و تمدن غرب به پیشرفت مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های سازگار با هویت ملی و مذهبی دست یافت. سحاب شیفته الگوی رفتاری میرزا حسین خان سپهسالار (موافق حفظ دیانت و پیشرفت به مانند اروپائیان) بود که در

۱. میرزا حسین خان سپهسالار یکی دیگر از دولتمردان کاردان و لایق ایران بود که همانند امیر کبیر در اصلاح، آبادانی و پیشرفت ایران بسیار کوشید. میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۴۳ ق. زاده شد. پدرش میرزا نبی‌خان امیر دیوان قزوینی، دو پسرش - میرزا حسین‌خان و یحیی‌خان - را برای تحصیل به اروپا فرستاد

ادامه به بیان واقعیات و بررسی آنها پرداخته می‌شود. در دوره‌ای که باستان‌گرایی و ناسیونالیستی به اوج خود رسیده بود، سحاب در آثارش به مثابه یک مسلمان و شیعه معتقد راجع به تاریخ اسلام و تاریخ ائمه صحبت می‌کند و از طرفی موافق پیشرفت کشور به مانند اروپایی‌ها است. بر این اساس، می‌توان سحاب را نمونه شایسته‌ای از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دانست.

## ۲- اهداف و سؤالات پژوهش

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سحاب به سبک میرزا حسین خان سپهسالار عمده‌ترین مسئله‌ای است که این پژوهش می‌کوشد به روش توصیفی-تحلیلی به شرح آن بپردازد و در پژوهش‌های وی اهمیت و کیفیت آن‌ها را به‌عنوان پژوهش تاریخی، نقد و اعتبار سنجی نماید و به سؤالات تحقیقی که در ذیل آورده شده، پاسخ داده می‌شود.

(بامداد، ۱۳۷۱: ۴۰۶) میرزا حسین خان پس از بازگشت از آنجا با پشتکار و علاقه‌مندی به فراگیری زبان و دانش، زمینه‌های رشد خود را فراهم ساخت و مورد توجه قرار گرفت. او زبان فرانسه را به نسبت خوب می‌دانست، با انگلیسی آشنایی داشت و به ترکی استانبولی مسلط بود (آدمیت، ۲۵۳۶: ۱۲۷). با تصمیم امیرکبیر مبنی بر فرستادن میرزا حسین خان به کنسول گری بمبئی در هندوستان، خدمات دولتی او آغاز شد (آدمیت، ۲۵۳۶: ۱۲۶) و از سال ۱۲۶۶-۱۲۶۷ق. تا ۱۲۶۹ق. کار پرداز اول ژنرال کنسول (سرکنسول) ایران در بمبئی بود (بامداد، ۱۳۷۱: ۴۱۱). میرزا حسین‌خان در سال ۱۲۷۵ ق. به وزیر مختاری ایران در استانبول رسید و در سال ۱۲۸۰ ق. که برای گزارش به ایران آمد، به عضویت دارالشورای کبری نیز منصوب شد و در سال ۱۲۸۲ ق. ملقب به مشیرالدوله گردید (بامداد، ۱۳۷۱: ۴۱۱). میرزا حسین‌خان در سال ۱۲۸۵ ق. از درجه وزیر مختاری به رتبه سفیری ارتقاء یافت و مدت ۱۲ سال در عثمانی ماند (خان ملک ساسانی، ۱۳۴۵: ۲۴۰). زمان اقامت او در خاک عثمانی مصادف با بر سرکار بودن عالی‌پاشا و فؤادپاشا بود (عرفانیان، ۱۳۹۱: ۸۴). میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم مردی نام‌آشنا در تاریخ قاجار است که عده کثیری از مردم تهران و نیز ایران نام او را به‌خاطر مسجد و مدرسه سپهسالار شنیده‌اند. وی سالیان متمادی سمت‌های گوناگون و عمده‌ای را برعهده داشت. گروهی از نویسندگان او را اصلاح‌طلب و ادامه‌دهنده راه امیرکبیر خواندند و فکر او را اندیشه ترقی دانستند و اقداماتش را ترکیبی از اصلاحات اداری و مالی و قضایی نامیدند که تنظیم و تحکیم دستگاه ازهم‌گسیخته حکومت و قانونمند کردن آن را هدف گرفته است و براین اساس در جای‌جای کتابها و مقالات خویش به مدح و ثنای او پرداختند (نوری، ۱۳۸۳)

- مبانی نظریه پیشرفت از نظر ابوالقاسم سحاب کدام است؟
- ویژگی‌های الگوی اسلامی ایران پیشرفت سحاب به سبک میرزا حسین خان سپهسالار شامل چه مواردی می‌شود؟

### ۳- پیشنهاد پژوهش

زندگی و آثار سحاب از جنبه‌هایی مورد بررسی قرار گرفته است؛ ولی تحقیق جامع و مستقلى در ارتباط با موضوع این مطالعه، صورت نگرفته است. در سوابق پژوهشی که ذیل می‌شود، می‌توان بدیع بودن پژوهش مورد نظر را مشاهده کرد.

کتاب «تاریخ خجسته» نوشته ابوالقاسم سحاب در اصل نسخه خطی‌ای بود که به اهتمام نوه وی غلامرضا سحاب در ۱۳۹۴ شمسی بعد از افزوده‌هایی به چاپ رسیده است. در تاریخ خجسته به زندگی نامه سحاب و شرح آثار وی پرداخته است.

مقاله همایشی «انعکاس فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی در آثار ابوالقاسم سحاب تفرشی» در اسفند ۱۳۹۹ نوشته شده است که نگاهی اجمالی به مؤلفه‌های انعکاس فرهنگ و تمدن در آثار سحاب دارد. پایان‌نامه‌ای با عنوان «ویژگی‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری ابوالقاسم سحاب تفرشی بر اساس آثار مکتوب» در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) توسط میثم سلیمانی نوشته شده است که بررسی و نقد و تحلیل مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری و ویژگی‌های تاریخ‌نگری ابوالقاسم سحاب تفرشی پرداخته شده است.

دیگری کتاب «گوهر اندیشه سحاب» است که در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی توسط محمدرضا درمزاری و غلامرضا سحاب (نوهی ابوالقاسم سحاب) نگاشته شده است. این کتاب صرفاً توصیفی از زندگی نامه سحاب است و تحلیلی در آن صورت نگرفته است.

دیگر کتاب «یادگار سحاب» که توسط غلامرضا سحاب و حمیرا محب‌علی نگاشته شده و در سال ۱۳۹۶ هجری شمسی به چاپ رسیده است. کتاب شامل زندگی‌نامه ابوالقاسم سحاب و شرحی مختصر از کل آثار سحاب شامل کتب و مقالات است. این کتاب نیز صرفاً توصیفی از زندگی نامه سحاب است و تحلیلی در آن صورت نگرفته است.

مقاله «سحاب» در دانشنامه جهان اسلام جلد ۳۳ به چاپ رسیده است. در واقع به زندگی عباس سحاب توجه ویژه دارد و در مقدمه‌ی آن به طور مختصر تنها به شرح احوال، آثار ابوالقاسم سحاب اشاره دارد.

همانطور که ذکر شد تحقیق مستقلی در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به سبک میرزا حسین خان سپهسالار انجام نشده. این تحقیق به نمونه نادر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در عصر پهلوی اول بوده پرداخته و اینکه روش و سبک او برگرفته از میرزا حسین خان سپهسالار بوده و نمونه هایی برای تاییدیه مدعا آورده شده است.

#### ۴- ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، چند مفهوم کلیدی به چشم می خورد که با تجزیه موضوع می-توان، مهم ترین آنها را واژه های الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت دانست.

۱- الگو: الگو، چارچوب نظری و ذهنی است که پایه و معیار حرکت قرار می گیرد. الگو، نقشه راه است (سنچولی، ۱۳۹۲: ۷۹).

۲- اسلامی بودن الگو، به معنای استخراج مبانی، چارچوب ها و الگوی پیشرفت از منابع و مبانی اسلامی، مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام می باشد؛ تمامی مراحل و فرایندهای طراحی و اجرای الگو باید برخاسته از اسلام باشد. تقلید از اندیشه های غیر اسلامی و چارچوب های غربی و غیر بومی در این زمینه زیان بار است، اگر چه استفاده از نقاط مثبت دستاوردهای فرهنگ و تمدن بشری، پس از بومی سازی مد نظر خواهد بود (سنچولی، ۱۳۹۲: ۷۹).

۳- ایرانی، ولی امر مسلمین، علی رغم پذیرفتن نگاه کارشناسان و نخبگان در منظور از ایرانی بودن الگو با شاخصه هایی همچون شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی ایرانی داشتن تأکید می کنند که الگوی ایرانی، طراحان آن متفکران ایرانی هستند (سنچولی، ۱۳۹۲: ۷۹).

۴- پیشرفت: منظور از پیشرفت، وجود حرکت، تکاپو و جهش از وضع موجود به سمت رسیدن و به وضع مطلوب یعنی چشم انداز یا اهداف بلند مدت و میان مدت است، در این الگو، ایستایی رکود، توقف و تردید راه ندارد و این پیشرفت باید در مقایسه با رقبای ما مشهود و ملموس باشد، رشد و تعالی انسان محقق شود (سنچولی، ۱۳۹۲: ۷۹).

۵- سبک میرزا حسین خان سپهسالار: سپهسالار که یکی از دولتمردان قاجار بود، سبک الگوی رفتاری و اخلاقی خاصی نسبت به اسلام و حکومت اسلامی داشت وی با حفظ دیانت اسلام طرفدار پیشرفت کشور به مانند کشورهای توسعه یافته اروپایی بود و پیرو تفکرات و علم جدید متکی به غرب به جای قدیم بود، در تحقیق نمونه های این سبک ذکر و مورد بررسی قرار می گیرد.

## ۵- روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی است و اساس این پژوهش با شیوه‌ی کتابخانه‌ای-اسنادی برای گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها از منابع صورت گرفت است.

## ۶- یافته‌های پژوهش

در این مقاله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ابوالقاسم سحاب تفرشی به سبک میرزا حسین خان سپهسالار مورد پژوهش قرار گرفت. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قدمت آن به یک دهه می‌رسد. سحاب الگوی رفتاری میرزا حسین خان سپهسالار که موافق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده را مقبول داشته و در آثارش به طور مداوم به مورد مذکور اشاره دارد.

مبانی نظریه پیشرفت از نظر ابوالقاسم سحاب پابندی به دین و موطن خود و موافق پیشرفت ایران اسلامی به مانند کشورهای توسعه یافته اروپایی بود، تا جایی که در مقابل اسلام و مذهب شیعه نباشد. این شیوه تفکر سحاب نشان از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ابوالقاسم سحاب دارد و نمونه‌های آن در آثار وی به طور بارز مشاهده می‌شود.

ویژگی‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سحاب به سبک میرزا حسین خان سپهسالار این است که دوران زندگانی سحاب شامل عصری بوده است که باستان‌گرایی رواج داشته است و حکومت طرفدار دین اسلام و بها دادن به اسلام نبود. با توجه به آثار سحاب میتوان به این نتیجه رسید که وی الگویی متمایز از نویسندگان و روشنفکران آن عصر دارد، سحاب شیفته الگوی رفتاری میرزا حسین خان سپهسالار (موافق حفظ دیانت و پیشرفت به مانند اروپائیان) بود. در دوره‌ای که باستان‌گرایی و ناسیونالیستی به اوج خود رسیده بود، وی در آثارش با توجه به مولفه‌های تاریخ اسلام، ترجمه‌ها و مقالات مربوطه به تاریخ اسلام، تجدد خواهی در ذیل حفظ دیانت، در آثاری از سحاب چون تاریخ خجسته و تاریخ مدرسه عالی سپهسالار مشاهده کرد. وی از طرفی به مثابه یک مسلمان و شیعه معتقد راجع به تاریخ اسلام و تاریخ ائمه صحبت می‌کند و از طرفی موافق پیشرفت کشور به مانند اروپایی‌ها است. بر این اساس، می‌توان سحاب را نمونه شایسته‌ای از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت دانست.

## - الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مبین این مسئله است که می‌توان بدون پذیرش جهان‌بینی ایدئولوژی و تمدن غرب به پیشرفت مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های سازگار با هویت ملی و مذهبی

دست یافت. بی شک تحقق چنین الگویی نه تنها دارای آثار داخلی است، بلکه پیامدهای بین‌المللی نیز دارد؛ به نحوی که می‌تواند موجب ارتقای منزلت ایران در سطح منطقه و نظام بین‌الملل شود و تأثیرگذاری ایران را در بین کشورهای اسلامی افزایش دهد. البته درباره کم و کیف استفاده سایر کشورهای اسلامی از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحث‌های جدی وجود دارد؛ زیرا قرار است الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با توجه به این موضوع که الگوهای توسعه قابل تسری به سایر کشورها نیستند، طراحی شود. در واقع اعتقاد به تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و هویتی است که مبنای طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار گرفته است و اگر چنین اعتقادی وجود نداشت، عملاً لزومی به طراحی یک الگوی بومی احساس نمی‌شد. علاوه بر این در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دو ویژگی «ایرانی» و «اسلامی» بودن می‌تواند در تمایز با سایر کشورهای اسلامی قرار گیرد و تمایل آنها به استفاده از این الگو را از بین ببرد؛ زیرا استفاده از لفظ «ایرانی» در الگو به معنای مختص بودن آن به ایران است؛ به این معنا که ارائه تعریف پیشرفت باید با در نظر گرفتن جنبه ایرانی صورت گیرد. بر این اساس انطباق داشتن الگو با شاخصه‌هایی همچون شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی ایرانی از اهمیت بسزایی برخوردار است (بهمن، ۱۳۹۷: ۷۶).

#### – ابوالقاسم سبحان<sup>۱</sup> و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

<sup>۱</sup> ابوالقاسم سبحان در سپیده دم جمعه ۱۵ رجب ۱۳۰۴ ه.ق (۲۰ فروردین ۱۳۶۶ ش) در روستای قم از توابع شهرستان نقرش، در خانواده‌ای دهقانی و مذهبی دیده به جهان گشود. از همان کودکی آثار هوش و اشتیاق به درس، در سبحان نمایان بود؛ طوری که در سه سالگی به مکتب‌خانه رفته و ساعت‌ها نظاره‌گر درس خواندن بچه‌ها بود (سبحان، ۱۳۷۸: ۱۰).

ابوالقاسم سبحان که سالیان سال از عمر خود را در جهت توسعه فرهنگ ایران زمین تلاش کرد علاوه بر انتشار کتب و تعلیم و تربیت جویندگان علم و دانش، به انتشار مقالات بسیاری در نشریات آن روزگار نیز اقدام می‌کرد. وی با بسیاری از نشریات علمی و فرهنگی آن زمان، ارتباط داشت و علاوه بر ارائه گزارشات علمی، آموزشی و تربیتی با ترجمه کتاب‌های مفید علمی و درج مطالب آن به صورت پاورقی در نشریات، دانش‌افزایی در جامعه آن زمان، خدمات ارزنده‌ای ارائه کرد (سبحان، ۱۳۹۴: ۳۷۶).

سبحان علاوه بر ریاست فرهنگ ثلاث، تدریس در مدارس تهران، معاونت کتابخانه ملی در سال ۱۳۱۷، عضو هیئت ممتحنه مدارس ابتدایی مرکز (۱۳۰۶ ش)، منشی‌گری محاسبات وزارت معارف (۱۳۰۷ ش) و مدیریت دفتر

بعد از روی کار آمدن رضا شاه و پس از انقلاب مشروطیت، یکی از اقدامات مهم رضاشاه، توجه به مسأله باستان‌گرایی و اتخاذ رویکرد بزرگداشت و تجلیل از حکومت های شاهنشاهی ایران قبل از اسلام بود. حوادث پس از پایان جنگ جهانی اول و تحولات پس از آن نشان می‌دهد که هویت ملی به نحوی سازماندهی می‌گردید که نقش دین در ساختمان ملیت ایرانی بسیار اندک و ناچیز باشد. گسترش دامنه و نفوذ هویت ملی مبتنی بر باستان‌گرایی در دوره رضاه شاه با پیشرفت پروژه دولت-ملت سازی مدرن پیوستگی داشت (دیلمی، ۱۳۸۶: ۵۵). تأسیس سلسله پهلوی و روی کار آمدن رضا شاه را سرآغاز جدیدی در آرایش هویتی جامعه ایرانیان باید به شمار آورد. در این دوران، دولت مطلقه قدرت را به سود خود تمام کرد. این دولت به منظور ایجاد هویت سازی ملی، باستان‌گرایی در طراحی نمود و اجرا کرد (دیلمی، ۱۳۸۶: ۵۵).

برخی تفاوت‌های افکار و تمایلات ناسیونالیستی پیشگامان ناسیونالیسم جدید در ایران ریشه در تفاوت دریافت‌ها و رهیافت‌های آنان در رویارویی با چگونگی نسبت میان تاریخ فرهنگ ایرانی و اسلامی غربی با یکدیگر داشت. ایران‌گرایی روشنفکرانی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی با مبالغه در باستان‌گرایی به طور عمده ماهیت و رنگی ضد عربی و حتی ضد اسلامی به خود گرفت (پروین، ۱۳۸۸: ۵۴).

مدنیت غربی که به عنوان قبه‌ی نجات خود را به روشنفکران ایرانی نشان داد در پی خواست‌های استعماری و سلطه طلبانه‌ی خود برآن بود تا استقلال ایران را قربانی منافع استعماری خود کند و همین

دانشسرای عالی تهران در ۱۳۲۳، همکاری با نشریات و مطبوعات متعدد، مترجمی و مدیریت داخلی مجله علم و تربیت را بر عهده داشت (سحاب، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶).

عباس سحاب در مقدمه کتاب زندگانی امام حسن عسکری (ع) در مورد وفات پدرش چنین می‌نویسد: «ابوالقاسم سحاب در اثر بیماری قلبی و فشار خون در روز های آخر عمر چند روزی بستری شد و در سپیده دم روز بیست و یکم دیماه ۱۳۳۵ هجری شمسی در سن ۶۹ سالگی دیده از جهان فرو بست و روح پرفتوحش به عالم ملکوت پیوست. جسم بی جانش با مراحم از آقای حسن سراج حجازی دوست و شاگرد با وفای او و همچنین آقای مصباح تولیت آستانه مقدس در صحن مطهر حضرت معصومه علیهاسلام در قم صحن آئینه، مقابل بارگاه آن حضرت، کنار حوض به خاک سپرده شد. کتابخانه شخصی او بنا به وصیتش با همکاری بسیار ارزنده استاد و شاعر فقید مرحوم عبدالله صالحی سمنانی، به کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه تقدیم گردید» (سحاب، ۱۳۶۹: آغاز کتاب).



آگاهی به وجود دوگانه‌ی غرب، روشنفکران ایرانی را واداشت، از یک سو اندیشه‌ی ناسیونالیسم ایرانی تدوین کردند و از سوی تاریخ را به روایت تازه‌تری نوشتند و تا توانستند اغراق کردند و افتخارات گذشته را بزرگ و بزرگتر جلوه دادند (آجودانی، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۱۸).

دوران زندگانی سحاب شامل عصری بوده است که باستان‌گرایی رواج داشته است و حکومت، طرفدار دین اسلام و بها دادن به اسلام نبود. با توجه به آثار سحاب می‌توان به این نتیجه رسید که وی الگویی متمایز از نویسندگان و روشنفکران آن عصر دارد، وی با حفظ دیانت خود توجه ویژه به پیشرفت و تجدد خواهی کشور ایران دارد، اسلام محوری وی را می‌توان با توجه به مؤلفه‌های تاریخ اسلام، ترجمه‌ها و مقالات مربوطه به تاریخ اسلام مشاهده کرد. این تجدد خواهی در ذیل حفظ دیانت، می‌توان از آثاری از وی چون تاریخ خجسته و تاریخ مدرسه عالی سپهسالار بدان دست پیدا کرد.

در دوره‌ای که باستان‌گرایی و ناسیونالیستی به اوج خود رسیده بود، سحاب در آثارش به مثابه یک مسلمان و شیعه معتقد راجع به تاریخ اسلام و تاریخ ائمه صحبت می‌کند و از طرفی موافق پیشرفت کشور به مانند اروپایی‌ها است. بر این اساس، می‌توان سحاب را نمونه شایسته‌ای از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دانست.

رسول جعفریان در مقدمه چاپ تاریخ خجسته چنین می‌نویسد: «مرحوم ابوالقاسم سحاب که نامش با نوشته‌ها و پژوهش‌های تاریخی فراوان و ده‌ها مقاله همراه است، پدید آورنده آثار باارزشی است که به ویژه در حوزه تاریخ دینی، مقامی پر ارج دارد. تألیف یک دوره تاریخ ائمه در روزگاری که کارهای نوشتنی دینی محبوبیت چندانی هم نداشت، در کنار کارهای علمی و شغلی، یکی از یادگارهای برجسته این مرد دانشی است، که امیدوارم همه مجلدات آن به چاپ رسیده و روزی در یک مجموعه یک دست و یک شکل، عرضه شود» (سحاب، ۱۳۹۴: ۱۲).

در آثاری چون تاریخ خجسته، مدرسه عالی سپهسالار، فرهنگ خاورشناسان سحاب با حفظ دیانت توجه ویژه به پیشرفت به مانند اروپائیان دارد، باید یادآور شد که ابوالقاسم سحاب موافق شخصیت سپهسالار بوده و او را در آثارش زیاد ستوده و کارهای وی را که موافق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده، تأیید می‌کرد که در ادامه موارد که بیانگر مسئله ذکر شده است، بیان می‌شود.

سحاب در کتاب تاریخ مدرسه عالی سپهسالار، از تجدد خواهی غربی سپهسالار بحث کرده، اما اینکه موافق تجدد غرب است یا نه چیزی نگفته است. وی در کتاب مذکور آورده است: «سپهسالار که مردی وطن پرست و عشق به ترقی کشور و انتظام امور در او جلیلی بود و برای این جمله احکام و دستورهای

او که در کارهای کشور داده دلیلی بس هویداست با هرچه کهنه بود دشمن و در همه چیز به نوبی و تازگی معتقد بود و به افکار پوسیده و رسوم قدیم وقعی نمی گذاشت» (سحاب، ۱۳۲۹: ۱۴-۱۵).

در جای دیگر می نویسد: سپهسالار با مخالفت و ضدیتی که از دشمنان وی در مورد عمل و اقدامات وی می شد و کارشکنی هائی که همواره از بدخواهان و مفسدان نسبت باو انجام می گرفت، دل سرد نشده با فعالیت تمام و جدیت زیاد مشغول کار بود و این اندازه اقدام و عملیات را جهت پیشرفت و ترقی کشور کافی ندانسته نظر خود را بطرف امور مهمتری معطوف نمود؛ به این معنی که خواست ترقیات ملل اروپا و اختراعات حیرت آور مردم مغرب زمین و کارهای عجیب و غریب دانشمندان فرنگ را بشاه معلوم و جریان امور آن سرزمین را خاطر نشان وی سازد و تمدن غرب را با نتایج عدل و داد و انتظام قوانین و اجرای آن و رفاهیتی که برای اروپائیان پیدا شده آشکار نماید و خیال شاه را بعزیمت فرنگ متوجه و ضمناً زمینه را برای عملی نمودن این تصمیم حاضر و نظامات کشوری را باین طرز و روش مهیا می نمود و در ۱۲۸۹ مدرسه مجانی دولت به اسم مدرسه مشیریه افتتاح کرد (سحاب، ۱۳۲۹: ۱۷-۱۸).

سپهسالار نظر به کفایت و استعدادی که داشت می خواست با تدابیر عاقلانه وطن خود را از فشار نفوذ اجانب نجات دهد. بدین جهت برای پاره ای از امور مهمو رفع احتیاجات لازمه مملکتی از قبیل ایجاد راه آهن و استخراج معادن و تأسیس بانک و بنای کارخانجات و غیره مبادرت نموده و مقدمات این کارها را فراهم آورد و امتیازاتی به بعضی از کمپانی های بین المللی که جزو تبعه دولتین همسایه نبود، داد و با آنها برای بستن قرار داد و اقدام به این امور مذاکره نمود (سحاب، ۱۳۲۹: ۲۰).

قسمت مهم مؤسسات اروپایی که از دوره گذشته در ایران مانده از کارهای سپهسالار است. تنظیم امور مالیه به سبک اروپایی، استخراج معادن، تأسیس کارخانه های چراغ گاز اصلاح دارالفنون و موسسه آثار علمی امیر کبیر و... (سحاب، ۱۳۲۹: ۳۱). سپهسالار برای دومین بار در سال ۱۲۹۵ هجری قمری به همراه شاه عازم اروپا شد. شاه عازم اروپا شد موجبات این سفر را نیز سپهسالار فراهم آورد، زیرا تمام سعی و جدیتش بیداری شاه و ازدیاد آگاهی و مشاهدات او از ترقیات اروپا بود (سحاب، ۱۳۲۹: ۲۴).

سحاب در «تاریخ خجسته» حوادث سال ۱۳۱۴ در مورد رویداد کشف حجاب نشان می دهد که به حجاب اعتقاد دارد و از بابت سیاست حاکمیت مبنی بر کشف حجاب ناراضی است. وی در بیان گزارشات مربوط به این رویداد تحلیلی کوتاه دارد وی چنین می نویسد: «در ۱۷ دی وزارت معارف برای افتتاح دانشسرا جشنی ترتیب داده و در این جشن شاه و ملکه با زن های خود حضور یافته و مقدمات کشف حجاب از اینجا در تهران شروع یافته است. دختران را برای گرفتن تصدیق تحصیل به

آنجا حاضر کرده بودند. ناموس مردم به دست شهوت مردمی هواپرست درآمد و این تنبه کمرشکن به ریشه دیانت مردم این مملکت دارد تا مقتدرات چه بشود» (سحاب، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

در جای دیگر می‌نویسد: «موضوع رفع حجاب که از طرف دولت ایران مورد توجه قرار گرفت آن را در مجلس شورا جشن گرفته. در ۲۲ دی بود که رئیس مجلس و نمایندگان و سران و افسران ارشد و وزرای مملکت را با خانم خود به حالت کشف حجاب به مجلس آوردند به استثنای چند نفری همه آنها در این جشن آمدند. تمام زنان با شاهرخ زرتشتی رئیس مجلس دست دادند. روح تجدد پرستی به جنبش در آمده بود و کیش و دین و آیین به کلی فراموش شده...» (سحاب، ۱۳۹۴: ۲۲۷-۲۲۸).

سحاب درباره سپهسالار می‌نویسد: «سپهسالار مردی بود نیک سیرت و کریم النفس و متدین و در عین حال با تمدن جدید تربیت شده بود. با معاشرت های طولانی و آمیزش و اختلاطی که از اول جوانی تا آخر عمر با مردمان مختلف اروپایی داشت در مجالس و محافل و مهمانی‌های رسمی ایرانی و فرنگی خود را از بسیاری از اعمال نکوهیده برکنار داشته ممنوعات شرعی و محظورات مذهبی را همواره رعایت می‌کرد» (سحاب، ۱۳۳۹: ۲۹-۳۰).

سحاب انگیزه خود از نوشتن کتب اسلامی را چنین بیان می‌کند: «بنده از آنجا که همواره، اندیشه‌ی خود را بر آن قرار داده و در این صدد بودم، اغلب کتب و رسائلی که به حال جامعه‌ی اسلامی مفید باشد و از آن بهره و سودی به برادران دینی و دوستان روحانی من عاید گردد، به دست آورده و از زبان فصیح و مذهبی قرآن به زبان شیرین فارسی ترجمه و تعبیر نموده و به پیشگاه ایشان تقدیم دارم» (سحاب، ۱۳۶۵: ۲).

سحاب در مورد انتقاد از عملکرد دولت در تیرماه سال ۱۳۰۷ ه.ش چنین می‌گوید: «۱۸ تیر، ۱۰ محرم می‌شود دولتی‌ها که از کار انتخاباتی که کرده بودند از مردم و تجمع وحشت داشتند، از تجمع هیئت و دسته قمه‌زنی‌ها جلوگیری به عمل آمد. دولت در اینجا به دو نکته توجه داشت یکی لغو کاپیتولاسیون و حفظ اصول مدنیت بین المللی، دیگری جلوگیری از اقدامات ضد حکومتی مردم که در برابر فشارها زیاد بود. مثلاً خراب شدن عمارت عمومی که به اسم توسعه خیابان بود، دیگر عدم آزادی انتخاباتی ملت در تحت نفوذ دولت، دیگری تجاوز و تعدی و فشار و اجحاف مصادر امور درباره‌ی عموم است. ملت ایران در مقابل این دردهای بی‌درمان و ظلم و ستم بی‌پایان هزارها رحمت به دوران رهبر استبداد تقدیم می‌دارد» (سحاب، ۱۳۹۴: ۹۰).

در فرهنگ خاورشناسان در مورد توجه اروپائیان به شرق چنین می‌نگارد: «یکی از عوامل احیای

زبان شرقی و موجبات عمده ترقی و نهضت ادبیات و معارف اسلامی توجه و بذل عنایتی است که از دانشمندان اروپا نسبت بیاد گرفتن این زبان و اهمیت دادن بان شده علمای مذکور در اثر تحقیقات و کنجکاوی ها و نشر کتب شرقی و ترجمه و تدریس آثار نگارش دانشوران اسلامی بالآخره در نتیجه عمل کاوش تنقیب و جستجو و حفاری در خرابه‌ها و آثار قدیمه این سرزمین زبان شرقی و معارف و ادبیات آن آگاهی تمام یافته و در موارد لازمه خدماتی را که توانسته در این باب انجام داده‌اند. اقدام و اهتمام اروپاییان در این خصوص نه تازه شروع شده، بلکه از دوره‌ی قرون وسطی و سده ششم و هفتم هجری با زمان وقوع جنگ‌های صلیبی و آمدن آنها به شامات و فلسطین بوده است که در اثر آگاهی و اطلاع ایشان از تمدن مسلمین باین عمل مهم مبادرت نموده‌اند قبل از نهضت جدید اروپا و پیدایش عصر تجدید (رنسانس) اروپائیان به هوش آمده و از خواب سنگین جهالت دیرینه خویش بیدار شدند. یگانه عامل نهضت اروپا را همین جنبش اضطراری آنها و تحصیل و مطالعات ایشان در کتب و آثار تمدن شرقی دانست که واسطه چنین اقتباس از کتب و آثار و صنایع و بدایع و ابتکار و اختراع اساتید و دانایان شرق استفاده نموده، در صدد تکمیل هر قسمتی از مخترعات برآمده هوش و استعداد خود را در پیشرفت هر نوعی از هنر و صنعت بکار واداشته تا افتخاراتی را از راه دانش و هنر و اختراعات و ابزار لیاقت و قابلیت برای خویش احراز داشته سربلندی و اعتبار خود را به تمام مردم دنیا آشکار نمودند» (سحاب، ۱۳۱۷: ۶).

با توجه به مباحث بالا می‌توان به این جمع‌بندی رسید که ابوالقاسم سحاب پیرو سبک میرزا حسین خان سپهسالار است و از مطالب بیان شده می‌توان این ادعا را داشت که سحاب شخصی است که در دایره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در عصر خویش می‌گنجد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ابوالقاسم سحاب تفرشی به سبک میرزا حسین خان سپهسالار مورد پژوهش و بررسی قرار گرفت. سحاب یک نویسنده‌ی عصر پهلوی اول و قسمتی از عصر پهلوی دوم (۱۳۳۵ش) است که با حفظ دیانت اسلام و مذهب تشیع و به پیشرفت ایران اسلامی به مانند اروپائیان می‌پردازد. مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش را می‌توان به شرح ذیل طبقه بندی کرد:

- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که قدمت آن به یک دهه می‌رسد؛ از ابتدای دهه چهارم انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری، مراکز مختلفی همچون مرکز الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت مطرح شده اما چارچوب این الگو را با توجه به مطالعات انجام شده در آثار سحاب، می‌توان از آن استنباط کرد.

- ابوالقاسم سحاب، شیفته الگوی رفتاری میرزا حسین خان سپهسالار بوده است. سپهسالار موافق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده و این مورد در آثار سحاب قابل مشاهده است. وی بارها در کتبی چون تاریخ خجسته، تاریخ مدرسه عالی سپهسالار، فرهنگ خاورشناسان و... ارادت خود را به سپهسالار بیان می‌دارد.

- سحاب در آثاری که بیان شد مکرر به دین و موطن خود پایبند و موافق پیشرفت ایران اسلامی به مانند کشور های اروپایی بود اما تا جایی که لطمه‌ای به اسلام و مذهب شیعه وارد نکند و اگر مقابل اسلام و ایران بود مخالفت خود را بیان می‌کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آجودانی، ماشالله (۱۳۸۲). مشروطه ایرانی، تهران: نشر اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۳۴). امیرکبیر و ایران، تهران: امیرکبیر.
- آدمیت، فریدون (۱۳۹۲). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران: نشر زوار، جلد ۱.
- پور عزت، علی اصغر؛ عبدی، بهنام (۱۳۹۹). «رهنمودهای ناظر بر خط مشی گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران: کاربست علم سودمند در جهت الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۷۳-۱۹۴.
- پروین، مریم (۱۳۸۸). «رضا شاه و شبه ناسیونالیسم ایرانی»، یاد ایام، شماره ۵۴، صص ۳۸-۵۶.
- دیلمی معزی، امین (۱۳۸۶). «هویت سازی ملی در دوران پهلوی اول»، زمانه، شماره ۵۶، صص ۸۱-۸۴
- زنجانی، مجتهد (۱۳۱۷). تاریخ قرآن، ترجمه: سحاب، ابوالقاسم، تهران: چاپخانه شرکت مطبوعات.
- سحاب، ابوالقاسم (۱۳۹۴). تاریخ خجسته، تهران: نشر دنیای جغرافیای سحاب.
- سحاب، ابوالقاسم (۱۳۱۷). فرهنگ خاورشناسان: در شرح حال و خدمات دانشمندان ایران شناس مستشرقین، تهران: شرکت طبع کتاب.
- سحاب، ابوالقاسم (۱۳۲۹). تاریخ مدرسه عالی سپهسالار، تهران: چاپ سپهر.
- سحاب، ابوالقاسم (۱۳۶۹). زندگانی حضرت امام حسن عسگری علیه السلام، تهران: چاپ سحاب.
- سحاب، غلامرضا (۱۳۹۴). زندگی و آثار و زمانه استاد ابوالقاسم سحاب تفرشی، تهران: نشر دنیای جغرافیای سحاب.
- سنچولی، زینب (۱۳۹۲). «تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سال دوم، شماره ۲، صص ۷۷-۱۰۲.
- عرفانیان، مسعود (۱۳۹۱). «تنظیمات در عثمانی و تأثیر آن بر امیرکبیر میرزا حسینخان سپهسالار و میرزا ملکم خان ناظم الدوله»، تاریخ روابط خارجی، سال سیزدهم، شماره ۵۳، صص ۷۵-۹۶.
- ملک ساسانی، احمد خان (۱۳۸۶). یادبودهای سفارت، تهران: نشر اساطیر.
- ملک ساسانی، احمدخان (۱۳۷۹). سیاستگذاران دوره قاجار، تهران: نشر مگستان، جلد ۱.
- نوری، حسین (۱۳۸۳). «خوب یا بد سپهسالار»، آفاق علوم انسانی، شماره ۲۸، صص ۴۵-۶۱.